[illegible]

بدیع التواریخ

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ قتل فردوس وساده ناصرالدین شاه انار الله برهانه

ناصرالدین شاه کیخسرو حشم — که بدی کمتر غلامش کیقباد

خسروی نیکو سیر بد در جهان — پادشاهی پاک آیین بود و راد

سعی اندر عهد فیروزش دگر — خلق را شد عدل نوشروان زیاد

با رعیت چون عدالت پیشه بود — جمله‌ی ایشان تمامی شاد

مملکت آباد شد در عصر او — که روانش شاد در فردوس باد

وه که پر قهر از زره کین عاقبت — اهل ایران را بدل داغی نهاد

تحت قبه‌ی حضرت عبدالعظیم — گشت مقتول آن شهنشاه دین وداد

آه کان آن سلیمان زمان — رفت از جور فلک تختش بباد

شد لکین شهریاری از کفش — ور سرش تاج جهانداری فتاد

[illegible]

نعمت دگون تاج بخش گشت

۱۳۱۳

[illegible] ناصرالدین شاه ملک از دست داد

تاریخ وفات مرحوم رحمتعلیشاه رحمة الله علیه

چو رحمتعلیشاه پاک از جهان شد
[illegible] اصحاب درگاه خود گشت محو

چو آن عارف کامل پاک رفت
[illegible] گروه اهل حق

کنون گفت از بهر تاریخ گفت

۱۲۷۸

عطا داد رحمتعلیشاه از حق

تاریخ وفات مرحوم منورعلیشاه نور الله مرقده

منورعلیشاه پیر طریقت
که دیگر نظیرش نیاید بدوران

دریغا که از جور چرخ جفاجو
وداع جهان گفت آن پاک ایمان

چو بر سر هوای ورود دوست بودش
بر او تنگ گردید دنیا چو زندان

بملک بقا چون نظر بود او را
بر این دار فانی نیفشاند دامان

[illegible]
همه خاطر جمعی اکنون پریشان

[illegible]
همه پاره کردند زین غم گریبان

نباشد عجب گر در این سوگ و ماتم
بتن بردرند اهل دل جامه جان

چنین گفت از بهر تاریخ گفت

۱۳۰۱

منورعلیشه جان بخش دان

تاریخ وفات مرحوم منصورعلیشاه روح الله روحه

منصورعلیشاه از این دار جهان شد
تا اکنون بصد جاه بود ساکن فردوس

گفت پی تاریخ وفاتش چه نکو گفت

۱۲۹۵

منصورعلیشاه بود ساکن فردوس

تاریخ وفات مرحوم میرزای وصال شیرازی قدس سره

وصال پاک با فرهنگ و دانش رفت از دنیا
[illegible]

دریغا کان حکیم ساده با فر و وقار آخر
چو گنج زر [illegible]

چو بحری زاخر و توحید آن فکر قدر تمکین
شد از این خاکدان بشتاب سوی عالم بالا

چو لطف داشتی و فضلی نزد ایزد بود بارش
بهشت جاودان باشد مقام و مسکنش فردا

وصال دوست را می‌جست اکنون شد در جنت
کنون دامن همی افشاند بر دنیا و مافیها

محمد چون شفیع وی بود اندر صف محشر
چه باک و بیم از جرم و گنه باشد دگر او را

به دوران آن همای کو به رفعت بود
گرفتی گوشه از خلق جهان پیوسته چون عنقا

بپوشید از خلایق دیده و علایق دید چون
[illegible] سینا

اگر با دیده [illegible]
نخواهد کرد مانندش بعلم و معرفت پیدا

[illegible] که اندر حکمت و عرفان
بسی برتر بدی از بایزید و بوعلی سینا

دمی از صحبت جانان [illegible]
بکیش عاشقان [illegible]

رقم زد خامه نعمت چنین از بهر تاریخش

۱۲۶۲

وصال بینا با کمال [illegible] شد از دنیا

ایضاً

دریغا که وصال پاک با دانش و دین
در خاک چو گنج زر کنون گشت دفین

[illegible] نعمت پی تاریخ وفاتش گفتا

۱۲۶۲

[illegible] جای وصال الفردوس برین

تاریخ وفات مرحوم میرزا [illegible] رحمة الله علیه

دریغ و درد که از جور چرخ کج رفتار | [illegible]

وحید عصر شد آن پاکدین [illegible] | فریده [illegible] خصال نکو سیر

کسی ندیده نظیرش بخط و شعر و ادب | کجا نیافت عدیلش بعلم و فضل و هنر

هزار حیف که آن سالک طریق نجات | ازین جهان بجهان دگر نمود سفر

درین مصیبت جانکاه و ماتم پرسوز | تمام طایفه کردند خاک غم بر سر

معین ناصر او چونکه احمد پاک است | چه باک باشدش از هول هیبت محشر

نگاشت نعمت دلخسته بهر تاریخش

۱۲۹۸

روان بسوی جنان شد وقار پاک گهر

تاریخ وفات مرحوم میرزا [illegible] حکیم طاب ثراه

[illegible] جلال زین [illegible] | بدان سرای کرم [illegible] خدای کریم

چو [illegible] جان [illegible] | ز هول روز قیامت دگر [illegible] چه بیم

درین عزای جگرسوز و ماتم جانکاه | [illegible] غصه گشت [illegible] نیم

نگاشت نعمت محزون زبهر تاریخش

۱۲۶۴

حکیم دید ترحم ز کردگار حکیم

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد المتخلص به (داوری) عطر الله مضجعه

ز جفای چرخ پرکینه ز دنیا داوری شد | آن نکوکاری که پیوسته نکو روش [illegible]

بهر تاریخ وفاتش نعمت غمگین رقم زد

۱۲۸۲

[illegible] ابد [illegible] خرسند دارد

تاریخ وفات مرحوم میرزا علی فرهنگ رضوان الله علیه

فرهنگ فرشته خوی چون شد ز جهان | [illegible]

تاریخ وفات او کنون گفت فلک

۱۳۰۹

فرهنگ ادیب یافت مسکن بجنان

تاریخ وفات مرحوم میرزا اسمعیل المتخلص به (توحید) طیب الله رمسه

ز جور چرخ اسمعیل توحید ملک سیرت | کنون زین نشئه در دنبال سوی نشئه وادی

بفضل و حکمت اندر انجمن بودش بمرتبه عالی | بعلم و معرفت بودش مقام و منزلت اعلی

خط خوش نغز و شعر دلکشش آن بهتر الحق | ز خط و شعر استادان بسی اجلی بد و اعلی

چو با دیده علی رحلت نمود از عالم فانی | بهشت جاودان گشت او را منزل و ماوی

ندارد هیچ انسان در قیامت حسرت اندر بهشت | چو با روی و روش از وصف محشر بود مولی

[illegible] | که دارد مسکن و ماوی زرب بیت محبوبی

رقم زد خامه همت کنون از بهر تاریخش

۱۲۸۵

شده اسمعیل توحید از دنیا سوی عقبی

تاریخ وفات مرحوم میرزا عبد الوهاب المتخلص به (یزدانی) روح الله روحه

حضرت یزدانی آن یکتا خیر الله که | آنکه از سوی جنان زین دار فانی زد قدم

انکه اندر حکمت و عرفان و در علم و ادب | در زمان محتشم بود و جوی مغتنم

نقش از شعر و جان از فکر و خط دلربای | میرسید او را همی پیوسته از لوح و قلم

شرح اخلاق نکویش را بصفحه روزگار | کاتب دیوان دوران کرده ثبت با رقم

[illegible] در ره کار فرشته در فرو جنان | دوستان را کرد ترا مایه صد اندوه و غم

در عزا داریم آن بحر فضل و مکرمت — [illegible]

بهر تاریخ وفاتش نعمت دل خسته گفت

۱۳۲۸

ره دل زد و هب برد ای همه فیض و کرم

تاریخ وفات مرحوم میرزا علی همت طیب الله ثراه

همت با دین و دانش رفت زاین دار فانی — ز غمش دل زبر قوس و بسدم آه و فغانا

در عزادارم آن نیک ذات پاک طینت — چشم مردم روز و شب شد اشکبار و خونفشانا

با صد شوق از خراب آباد دنیا رفت اکنون — منزل و ماوای او باشد بهشت جاودانا

کلک نعمت بهر تاریخ وفات او رقم زد

۱۳۳۳

همت عالی گهر سوی جنان شد زین جهانا

تاریخ وفات مرحوم حاجی شیخ الرحیم آبالی نور الله مرقده

[illegible] — جان تازه شد ش سوی فردوس

نعمت بسرود بهر تاریخ

۱۳۲۰

شد ابن شیخ سوی فردوس

تاریخ وفات مرحوم میرزا ابوالحسن المتخلص به (جلوه) روح الله روحه

چو رفت ابوالحسن جلوه ناگهان ز جهان — تو گفتی از تن دانشوران برون شد جان

بعلم و حکمت همسنگ بود با بقراط — ز زهد و تقوی چو درویش بود با سلمان

دریغ و درد که آن آفتاب برج کمال — ز زیر ابر اجل گشت عاقبت پنهان

نگاشت نعمت غمدیده بهر تاریخش

۱۳۱۴

ز بوالحسن ز جهان گشت جلوه گر کیهان

تاریخ وفات مرحوم شیخ محمد تقی [illegible] طاب ثراه

محمد تقی رفت از در دنیا [illegible]

فلک اندر این سوگ با ناخن غم [illegible] را فرو اشد

شب و روز با تیشه درد و حسرت درخت نشاط دل ما را تراشد

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد

۱۲۹۵

محمد تقی اهل فردوس باشد

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد رضا طاب الله ثراه

محمد رضا که بود دیده دهر عصر بسوی بهشت شد از این تیره خاکدان

کنون نعمت از این تاریخ آن سر ده

۱۳۲۲

محمد رضا والا زیب جنان بدان

تاریخ [illegible] مرحوم میرزا [illegible] عطر الله مضجعه

[illegible] از جهان [illegible] کرد دگر [illegible] روح تجرد زده مستقر بنعیم رفت

[illegible] تاریخ فوتش نعمت انداز که [illegible]

۱۳۳۳

بر بست به طوبی همای جان عنقا رفت

تاریخ وفات مرحوم میرزا هدایت الله [illegible] طاب الله ثراه

آه که رفت از جهان هدایت الله وزین مصیبت دگر تاب و توان شد زما

طالع مسعود کرد هدایت از راه حق رفت ز سیر و سلوک دولت فقر و فنا

دیده هدف ساختی پیش تیر قدر سینه سپر ساختی بزیر تیغ قضا

سال وفات ز نعمت بنگر بفقر

۱۳۲۵

بهشت ابد [illegible] لطف و عطای خدا

تاریخ وفات مرحوم حاجی نجم الدوله طاب الله ثراه

مرحوم نجم الدوله چون رفت از جهان ... خلق اندر سوگ او گشتند محزون و ملول

از ستاره‌دان در ریاضی و اندر احکام نجوم ... و نشد آن یک خبر را ابتدای قبول

قول او بودش صدق در تأثیر کوکب سر بسر ... گفته او گوئیا از آسمان کردی نزول

سالها بودی تبه در جهد در سیر و سلوک ... عاقبت از لطف حق پیش آمدش راه وصول

بود بی پروا چو پروانه به شمع جمال ... تا که اندر کوی جانان یافت پروانه دخول

چون مسیح اندر فنا نی شد مجرد بر فلک ... آنکه در وصف کمالاتش همی حیران عقول

بهر تاریخ وفاتش نیست غمزده گفت

۱ ۳ ۲ ۶

آفتاب عمر نجم الدوله ابر افول

تاریخ وفات مرحوم ذکاء الملک اشعر الشعراء فروغی رحمه

ذکاء الملک را باری روان شاد ... که شد [illegible]

بدین ظلمتسرای وحشت انگیز ... فروغی از چراغ تربیت داد

که روشن گشت بزم علم و حکمت ... بنای جهل ویران شد ز بنیاد

شنفتم جانفزا از نثر و نظمش ... ندارد هیچ استاد در جهان یاد

به دانائی چو آن فرزانه فرزند ... نخواهد مادر گیتی دگر زاد

ولی دردا که با آن فضل و دانش ... اجل دادش اساس عمر بر باد

بسال فوت آن نیست چنین گفت

۱ ۳ ۲ ۵

ذکاء الملک را مسکن جنان باد

تاریخ وفات مرحوم حاجی میرزا محمد علی رضوی [illegible]

بکردگار محمد علی مدی محتاج | که داده بود [illegible]
ز نور معرفت و در روشنائی دانش | سرای قلب [illegible] بود سراج
همی شتافت بمیدان شعر چون حسان | همی گرفت بملک سخن ز نیکان باج
ز شور مرثیه خوانی او همی مردم | شکسته گشتی چون سنگ خاره زجاج
همانکه بود عجب [illegible] چو سکه زر | نمود پیک اجل نقد عمر او تاراج
ازین جهان شده در عشق [illegible] | که درد هجر کند [illegible] جلال [illegible] علاج

سرود نعمت [illegible] بهر تاریخش

۱۳۲۱

بوصی ادست محمد علی [illegible] محتاج

تاریخ وفات مرحوم [illegible] محمد خان امین [illegible]

[illegible] رفت زدنیا محمد [illegible] | لنگر اخلاق ستوده بی قرین
در جوانی زین جهان بی وفا | رو نهاد اکنون بسوی خلد برین
کرد افول آن اختر برج کمال | شد چو گنج زر بخاک اندر دفین
بود این دفتر [illegible] | کرد طی خود دفتر عمرش زکین
بسته [illegible] انکه [illegible] | به وصفش [illegible] روح الامین
دوستان در سوک آن نیکو خصال | جملگی هستند محزون و غمین

نعمت ایشان بهر تاریخش سرود

۱۳۲۸

نگاشته احمد محمد [illegible]

تاریخ وفات مرحوم سراج الملک [illegible]

چون سراج الملک زین منزل ازین ظلمت سرا شد | جان او سوی [illegible]

شد چراغ همرهان روشن روان خاموش اکنون | لیک قبرش [illegible]

رفت زین غمکده بربست بس [illegible] | [illegible] دیگر [illegible] باشد

آن پسندیده صفات نیکخوی پاک طینت | [illegible] احمد مختار باشد

دستگیری چون بدی [illegible] | در صف محشر شفیعش حیدر کرار باشد

چونکه بودی [illegible] فقیران ضعیفان | در همه احوال لطف کردگارش یار باشد

بهر تاریخ وفاتش [illegible]

۱۳۳۲

با علی کار سراج الملک نیکوکار باشد

تاریخ وفات مرحوم محمود خان ملک الشعرا رضوان الله علیه

[illegible] | در عزایش چشمه خون شد ز چشم دوستان

[illegible] | بعد بی شبه نظیر الحق درین دور زمان

نیک آگه بد ز علم و حکمت و شعر و ادب | بعد برتر از حکیمان [illegible] جهان

الحق اندر وصف آن دانشور صاحب هنر | عاقبت قاصر سخن باشد مرا نطق و بیان

چونکه بر سر [illegible] | [illegible]

[illegible] سیمرغ قاف [illegible] | همچو عنقا شد کنون از دیده مردم نهان

بهر تاریخ وفاتش [illegible] گفت

۱۳۱۱

مسکن و ماوای محمود است جنت جاودان

تاریخ وفات مرحوم میرزا تقی خان

ناگهان رفت تقی از دنیا | همچو مرغی که پرد از قفسی

اندر اخلاق پسندیده چو او | نشنیده است و ندیده است کسی

آن جوان غیر نکوکاری | در سرش هیچ نبودی هوسی

زد غمش طایفه دیگر همه چشم | به نشاند به رحمت نفسی

همی روز و شب به حسنش نبود | باشد اورا چو علی دادرسی

بندگان را ز خداوند کریم | نیست جز فضل و کرم ملتمسی

چه غم از جرم که با رحمت حق | کوه جرم است بمیزان چو خسی

رفت از پیش و ز پس ما برویم | بسته این قافله را پیش و پسی

[illegible]

نیست اکنون پی تاریخش نظیر

۱۳۲۱

ز خداوند تقی لطف بسی

رفت ناگه چون تقی از دار الفنا | خاطر جمعی از این غم شد پریشان

چون ز دنیا رفت غفران شد نصیبت

۱۳۲۱

بهر تاریخ وفاتش گفته شد غفران

تاریخ وفات مرحوم میرزا حیدر علی طهرانی

چو بیرون رفت از این ظلمت سرا حیدر علی که | روان پاکش از نور تجلی منجلی آمد

پی تاریخ وفاتش نیست افسرده دلی گفت

۱۳۲۱

بهشت جاودانی مسکن حیدر علی آمد

[illegible]

تاریخ وفات مرحوم میرزا ابراهیم طهرانی

رفت ابراهیم از این دار فانی — وز غمش کردند قومی خاک بر سر

با تولای علی چون شد ز دنیا — هم کند دلداری از روز محشر

نعمت اکنون بهر تاریخش رقم زد

۱۳۲۱

حشر ابراهیم باشد با پیمبر

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمدعلی خان

چونکه محمدعلی ز دار جهان رفت — خرمی طاقت رفت یکسره بر باد

ماتم جانسوز آن یگانه هنرمند — زهره چو آب راجهان رها از باد

نعمت غمدیده گفت از پی تاریخ

۱۳۲۲

جای محمدعلی باغ جنان باد

تاریخ وفات مرحوم حاجی میرزا حسن فانی روح الله روحه

[illegible] حسن شد ز دنیا — که باران رحمت بگورش ببارد

جوان یک فرزند با علم و دانش — که مانده بهر دیگر بیارد

کنون نعمت ز بهر تاریخ فقدش

۱۳۱۴

حسن با پیمبر دگر حشر دارد

تاریخ وفات مرحوم میرزا الهی خان فدائی طاب الله ثراه

ای علی زاده هاشمی رفت ز جهان — وز غمش گوئی برون رفت ازین جهان

شد روان سوی بهشت جاودان دور از قفس — سینه‌ها زین درد ما خونبار و شد روانه

خامه نعمت پی تاریخ فوت او رقم زد

۱۳۲۱

مسکن و ماوای او شد بهشت جاودانه

تاریخ وفات مرحوم عیسی خان طاب الله ثراه

آه و افسوس که از دار جهان عیسی رفت
داور اخلاق پسندیده [illegible]

بود بس طینت پاک و درونش روشن
سیرت او ملکوتی صفتش روحانی

درد مرگ است که هرگز نپذیرد درمان
درد جانسوز جهانیست ز بهر درمانی

روز و شب از غم و اندوه در این سوگ عزا
کار ما گشته جگرخواری و اشک افشانی

نعمت از بهر تاریخ وفاتش گفتا

۱۳۲۵

باز عیسی بفلک رفت ز دار فانی

تاریخ وفات مرحوم میرزا علی ضیاء الملک طاب ثراه

چون علی از جور گردون رفت از این دار جهان
دوستان را زین مصیبت شد ز دل تاب و توان

حضرتش با اسم هم کنیت هم لقب بود ضیاء
شمع بزم انس دلگشت بعدان روشن روان

عالم و نیک خوی و عارف و صافی ضمیر
فیلسوفی نیک اخلاق و ادیب نکته دان

در جوانی شد ز دنیا از جفای چرخ پیر
خسته دل گشته از او همسر پیر و جوان

از پی تاریخ فوتش نعمت غمدیده گفت

۱۳۲۸

منزل ماوای علی بادا بهشت جاودان

تاریخ وفات مرحوم میرزا عباس خان

رفت عباس نوجوان ز جهان
وز غمش شد خمیده قامت من

اندرین سوگ جانگزا قوی
پاره گردید پیرهن بر تن

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱۳۲۸

گشت عباس با جنان ساکن

تاریخ وفات مرحوم میرزا سید جعفر خان معتمد الحکما علیه الرحمه

چون ازین دنیای فانی رفت جعفر — منزل اندر ... برین شد

آن سعید و پاک دامان احمد — در جنان با جد خویش اندر قرین شد

در بهشت عدن زد خرگه و مسکن — جسم پاکش زیر این توده زمین شد

چشم پوشید از خلایق و از علایق — زانکه حق‌بین دیده آن پاک دین شد

چون ضعیفان را معین بد با رهی — لطف یزدان حامی‌اش را معین شد

آه کان بحر عطا در بر احسان — از جفای آسمان زیر زمین شد

کلک نصرت بهر تاریخش رقم زد

۱۳۳۴

جعفر اکنون با محمد همنشین شد

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد خان ثقت دیوان

چون محمد ... رفت از دار فنا — زین غم جانسوز قدسی با گریبان چاک شد

خاطر جمعی ازین درد و مصیبت شد پریشان — دیده خلقی درین سوگ بغم غمناک شد

ثقت آن شخص کاو بُدی لقب ثقت دیوان — آه کاخر پیکر پاکش بزیر خاک شد

بهر تاریخ وفاتش نصرت غمدیده گفت

۱۳۳۴

همدم نیک با محمد ثقت پاک شد

تاریخ وفات مرحوم میرزا احمد

چو احمد آنکه اندر نوجوانی رفت از دنیا — روان پاکش اندر روضهٔ رضوان مخلد شد

تا تاریخ وفاتش نصرت افسرده دل گفتا

۱۳۲۰

بهشت جاودانی منزل و ماوای احمد شد

تاریخ عروسی

مبارک باد این عیش خجسته　　که تاریخش از آن شد رقم بسته

بتاریخ آن نعمت رقم زد

١٣٢٩

قران مهر و مه بس سعد افتاد

تاریخ عروسی

همایون و فرخنده این سور باد　　که از دیدنش در تن آید روان

در این محفل پر نشاط و طرب　　بردم فلک داده خط امان

برای تماشا ستاره ز شوق　　فکنده نظر بر زمین از آسمان

به رقص زهره در این بزم عیش　　ز وجد و طرب مشتری شد بجان

ز توصیف این بزم با زیب و زینش　　نیارد دهد شرح کلک و زبان

بتاریخ این سور نعمت سرود

١٣٢٨

بهم سعد شد مهر و مه را قران

تاریخ عروسی

خوش آن سوری که از الفت زن و شوهر　　همی باشند مانند رباب و دو عود

بتاریخ عروسی نعمت اکنون گفت

١٣٢٨

قران لقب دو ماه باشد سعد

تاریخ عروسی

بنازم بدین سور شاهان که هرگز　　ندیده کسی سوری چنان در عرب

بتاریخ آن نعمت از وجد گفت

١٣٢٨

لالا شرف شد قران دو کوکب

تاریخ ولادت میرزا جواد خان

جواد خجسته که با داد سلامت [illegible]

بدیدار این خجسته مولود حق بعد روشن از او دو چشم راحت

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد

١٣٢٣

جواد نکوخصلت آمد بزیب

تاریخ ولادت میرزا محسن خان

محسن فرخنده چون آمد بزیب در دو غم رفت از دل ما بیرون

بادا همه دم دوام عمر او را خواهم از ایزد بود کار نیک بیچون

نعمت اکنون بهر تاریخش بگفت

١٣٢٥

مقدم محسن همایون گشت و میمون

تاریخ ولادت میرزا مسعود خان

از مقدم مسعود [illegible] گشته همه طایفه بسیار دلشاد

این طفل چو بخت که با دانش بیرات جان تنش از حادثه در پی صون باد

نعمت پی تاریخ وی انشاد چو بیت نغز

١٣٢٩

فرخنده بود طالع مسعود نکو نهاد

تاریخ ولادت میرزا محمود خان

صد شکر که این زمان بدنیا محمود نکوخصال آمد

الحق که بهشت قوم و خویشان خوش دولت بی زوال آمد

نعمت چو بدو بجست تاریخ

١٣٣٢

محمود خجسته فال آمد

تاریخ ولادت مریم خانم فرشته لقب

مریم خوشخوی فرشته لقب صفتش از لطف فرشته بود

چون بجهان آمد از نعمت پرده

۱ ۲ ۳ ۲

مریم پاکیزه فرشته بود

تاریخ ولادت میرزا منوچهر خان پسر آقای زرنگ

نور از رخ منوچهر چو آمد بجهان گوئی ز رخ ذوق شعف در تن ما آمد جان

افق ز رخ چو مهر منوری جهان آرایش همه آثار بزرگی است هویدا و عیان

دارم امید که از لطف خداوند رحیم دور باشد تنش از حادثه دور زمان

بهر تاریخ دلم از ره طرب نغمه بگفت

۱ ۳ ۲ ۱

نور از رخ منوچهر گلوی لانش دوران.

رشا

تاریخ طبع کتاب عشق و عفت مرحوم ذکاء الملک المتخلص به «فروغی»

اگر خواهی کتاب عشق و عفت بخوانی ذکاء ز خرد و بی رخم حکمت

فروغی آن صباح فصیحش بنور روشنی بخشش بزم صحبت

شمیمی ز بستان نظم بدیعش کند تربیت نونهال مودت

بهر باب آن فصلی از فضل دانش بهر سطر آن شطری از رحم و رأفت

همه لفظ آن معنی جود و احسان همه حرف آن آیت لطف و رحمت

ز شعر شیش آید بدل نور بینش ز عنوانش افتد بجان نار غیرت

رسانه بیان در صحیفه معانی ز اوراق دیباچه اش افتد رغبت

عبارات نغز و مضامین بکرش عروس سخن را بیفزود زینت

کنایات بی اساس است مبنی — زهر صفحه آن کتاب قصب

تاریخ این گلستان نعمت رقم زد

۱۳۲۴

دفا صف جز دی زهر عفت

تاریخ طبع کتاب گلستان

بسان این کتاب گلستان طبع کن — که هر فصلی از آن بوستانی است رنگین

بنفشه بگلزار دلارای باشد — چو ارژنگ مانی و تحفه چین

خط جانفزایش بعهد دلاراتر — ز زلف ره شاهدی شوخ و شیرین

تاریخ این نعمت اینگونه گفت

۱۳۲۳

بیا زین گلستان جهان گلستان بین

تاریخ اتمام کتاب بهشت جاودانی

بعنوان این دفتر بهشت جاودانی — که در دور جهان از زیر گیری زندگانی

ببین کاین نسخه عرفان پاک طبع نادره پرور — بهم چون بسته اند زر ذوق الفاظ و معانی

ببین نازم بر این نغمه ان زبان آور — که خوش بی پرده میگوید اسرار نهانی

مؤلف با خط دلکش نوشته شعر استادان — که دارد عرضه بر جانب خوش گلهای زبانی

بتاریخ این دفتر زدی شوق نغمت گفت

۱۳۲۱

بسان تو دیدی بگو این بهشت جاودانی

تاریخ طبع کتاب چار سنو

بدین چار سنو نازم بحق — که خلد برین نیستش هم تراز

گفته همسر بود طراوت جنت — نه در نضارت بفردوس جلو

چو شد طبع این دفتر علم و دانش   به تحسینش آواز آمد ز هر سو

کنند زر به نثار آن دو گوشه   نباشد نقص اندران یکسر مو

کنون نعمت ز بهر سال تاریخ گفتا

۱۲۳۱

بهشت پر نعیم بود جاری سنه

تاریخ آغاز کتاب ژاله نامه

نازم به ژاله نامه که از چشمه سار حکمت   ما را بر آتش جهل پیوسته آب ریزد

تاریخ آن ز بس که نعمت ز شوق گفتا

۱۲۳۱

زین ژاله نامه حق دریای علم خیزد

تاریخ انجام کتاب ژاله نامه

ژاله نامه از فیض در رحمت است   که شود سیراب کشت علم ازو آن

لله

کلک نعمت بهر تاریخش بگفت

۱۲۳۲

ژاله نامه بحر جود و فضل دان

تاریخ طبع کتاب گنج زر

دفتر گنج زر بخوان کاسحق   در فصاحت ز سبعه برده گرو

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱۲۳۰

گنج زر دان چو ملک کیخسرو

ایضاً

این گنج زر است و دانش بی پایان   داند هر که بدانست به از ملک جهان

نعمت چه نمود بهر تاریخ گفت

۱۲۳۰

فضلی ولدا ازین گنج زر آموز ای جان

تاریخ طبع جریدهٔ شرق

پرتو نور شرق در آفاق   روشنی بخش گشت همچون برق

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱ ۳ ۲ ۶

مهر سر زد زهی ز مطلع شرق

تاریخ طبع جریدهٔ استقلال ایران

جریده نامی استقلال ایران   نمود آنکه زر و صنع جهانم

ز سجع عبارات فصیحش   بسی قاصر بود نطق و بیانم

ز تحسین مضامین بدیعش   دگر عاجز بود کلک و بنانم

بتاریخ آن نعمت بگفتا

۱ ۳ ۲ ۸

ز استقلال ایران شادمانم

تما

تاریخ طبع جریدهٔ ایران نو

سزد گر بنازم بایران نو   که در لفظ و معنی است الحق فرید

بر ارباب دانش مبرهن بود   برای این روزنامهٔ سعید

بتاریخ آن گاه نعمت بگفت

۱ ۳ ۲ ۶

ز ایران نو گشت ایران جدید

تاریخ فیضخانه (احمدیه)

خسرو دادگستر احمد شاه   که بود بخت و طالعش فیروز

آن شهنشه که عقل بر در اوست   حکمت آموز و معرفت اندوز

قورخانه همین معد آتش   گشت دار الشفای محنت سوز

سعی گستر امیر خان کرده   باعث این بنای جان افروز

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱۳۳۲

ز جهد نیشغانی خواه از مرد و زن

تاریخ بنای مسجد آقای حاجی سیف الدوله

تعالی الله این مسجد که سر بر آسمان ساید — ز سیف الدوله آن دین پرور دانشور آباد است

عبادتگاه خلق امروز از بهر خدا چون شد — بهشت جاودان فردا مقام آن خدا داد است

سرای آخرت را از فرومندی عمارت کرد — که دنیا را چو نیکو بنگری بنیاد بر باد است

خراب این مسجد عالی نه هرگز نخواهد شد — که همچون خانهٔ ایمان ز نخست بنیاد است

رقم زد خامهٔ نعمت کنون از بهر تاریخش

۱۳۰۵

ز سیف الدوله این مسجد بسی معمور و آباد است

تاریخ مشروطه شدن دولت ایران

شهنشاه مظفر فر که در عهدش — نیاورد نام کس از عدل نوشیروان

رعیت را ز رفعت داد مشروطه — که تا بد ملک و دین را ز نو سر و سامان

چه خوش نعمت پی تاریخ آن گفت

۱۳۲۴

بفال نیک مشروطه شده ایران

تاریخ جنگ اروپا

آه و افسوس که یکباره بشد رفت — ز آتش جنگ جهانسوز فرنگ

کوه و دریا و در و دشت همه — گشته از خون دلیران گلرنگ

جنگجویان همه صد شور و شغب — خود میان بسته بخونریزی تنگ

این زند گردن آن با شمشیر — آن تن این کند از ره و درنگ

نوع خود از صد زر دلی زردوب — [illegible]

کاش از صبح سخن گفتندی — مردم بی‌طرف با فرهنگ

آتش خواهشه زدی بشتاب — کامد این کار روا نیست درنگ

بهر تاریخ کنون نعمت گفت

۲ ۲ ۲ ۱

رفت ده بجهان آتش جنگ

این ۳ عدد ماده تاریخ در دارالخلافهٔ طهران گفته و بی‌ترتیب نوشته شد

فی شهر جمادی الاولی غره سنه ۱۳۳۴

(حرره العبد المتخلص به نعمت)

تاریخ وفات مرحوم حاجی میرزا سید علی نور الله مرقده

عارف کامل علی هاشمی — آه که در خاک کنون شد زمین

شهرت فیض شده در جهان — سید عالی نسبی پاکدین

نیک اگر بنگری از روانبوه — در ورع و زهد همال قرین

گنج قناعت که ندارد زوال — جمله دنیا بده زیر نگین

خو بزر و سیم نبودش نیاز — گنج هنر داشت چو در آستین

حیف که با آن همه فضل و کمال — رفت سرانجام بزیر زمین

نعمت محزون پی تاریخ گفت

۵ ۳ ۴ ۱

شد علی پاک بخلد برین

تاریخ وفات مرحوم میرزا سید جعفر صدر العلماء عطر الله مضجعه

صدر العلماء چو شربت مرگ چشید   فر الله تعالی حق بروح رسید

نعمت پی تاریخ وفاتش گفتا

١٢٣٥

صدر العلما بلطف خدا اکنون دید

ایضاً

زجور فلک سید ابو جعفر   که مرقوم را بود سالار و سرور

ز داغ جهان گفت خلقی ز سوزش   بتن جامه کردند پاره سراسر

چو ترویج دین در همه عمر کردی   شفیعش شود مصطفی روز محشر

ز حال فقیران چو غافل نبودی   مرادش بود مرتضی یار و یاور

کنون صدر بنشسته در بزم مینو   چو باشد ز اولاد پاک پیمبر

[illegible] تاریخ آن کلک نعمت رقم زد

١٢٣٥

بفردوس اعلی است بالای جعفر

تاریخ وفات مرحوم میرزا علی خان موثق السلطنه طاب ثراه

موثق السلطنه که بار ایزدش علی   شد از جهان ولکن جنان مقامش بود

تاج سر اراذل چو بُد خاک در مرتضی   شد که فخر و شرف همی بجانش بود

خالی نعمت رفت گرد چو جان در سلوک   جهان غزو غنا دگر بکامش بود

همیشه باشد در اعالی بزم بهشت   پر از شراب طهور مدام جامش بود

ز درد پی تاریخ آن نعمت غمزده گفت

١٢٣٥

موثق السلطنه علی امامش بود

تاریخ وفات مرحومه نورالهدی خانم شیرازی

چون برفت از این جهان نورالهدی
دوستان گشتند با حال حزین

خویش و بیگانه در این سوگ و عزا
روز و شب هستند محزون و غمین

گوهر درج صفی آن با صفا
بود پاکیزه تر از دُرّ ثمین

اختر برج حیا بود و عفاف
دامنش در عفت و عصمت قرین

آه کان مستوره در عهد شباب
شد ز جور آسمان زیر زمین

جستم از بعضی که اکنون در کجاست
منزل آن بانوی پرده نشین

نعمت این سان بهر تاریخش بگفت

۱۳۲۹

منزل نورالهدی خلد برین

تاریخ قتل مرحوم عین الملک طبیب زاده

طبیبی چو عین الملک کو ز علم و دانش
نظیرش دگر کمتر آید پدید

قضا را یکی مرد مجهول مجنون
بزد تیشه بر گردنش بی محابا

بیک ضربت از پا در افتاد آه
شد از این جهان آن خردمند دانا

در این سوگ دلسوز جانکاه قومی
گریبان دریدند از پیر و برنا

ز این قصه غصه خیز غم انگیز
بود روز و شب خونفشان دیده ها

ز دنیا گر او رفت اکنون ز ما هم
رویم از قفایش بتعجیل فردا

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد

۱۳۳۴

کنون کشت دیوانه قیسی را

ایضاً تاریخ فوت مرحوم امین الممالک

کنون گشت گشته امین الممالک — دریغا که آخر برست از مهالک

قضا رشته عمر او تیشه کند اش — که ناچار باشند مخلوق هالک

ز جنگ اجل کس رهائی نیابد — نه مملوک باقی بماند نه مالک

بصدق و صفا الحق آن طالب حق — بوادی فقر و فخر بود سالک

چنین گفت از بهر تاریخ هاتف

۱۳۲۴

فرشته بدی این امین الممالک

تاریخ عددی

از این سور فرخنده الحق امروز — دست قوی زبند غم برسته

عروس کامرانی باد صد ناز — چه خوش در حجله عشرت نشسته

تاریخ این عیش مبارک

۱۳۲۴

ز بو نعمت رقم شد سور فرخنده

تاریخ عددی

بر پا شده سوری که ز وصفش است زبان — چون قدر شکوهش بود از حد افزون

نعمت پی تاریخ بصد شوق سروده

۱۳۲۹

این سور کنون مبارک است و میمون

تاریخ ولادت میرزا شفیع خان

شفیع بازاد آمد بدنیا — وزین مژده فرخ کنیم و خرم

پی تاریخ آن نعمت چه خوش گفت

۱۳۲۴

شفیع نیکخو اندر عالم

تاریخ ولادت میرزا فتح الله خان

به بنا کرد فتح الله را اکنون | زده دارد نشین بر سال و نکوست

به تاریخ این مولود نشاط گفت

۱۲۲۴

همایون مقدم فتح الله است

تاریخ وفات مرحوم شیخ جلال الدین اسحق که در (جمال اسحق) روح الله روحه

جلال الدین اسحق از جهان رفت | که بُعدی خویش را اندر خوش سرشته

کنون نشاط تاریخش رقم زد

۱۲۲۵

جلال الدین اسحق شد بهشتی

تاریخ وفات مرحوم سراج الملک طاب ثراه

سراج الملک چون از این جهان رفت | ز سوگش دوستان را صبح شد شامت

به تاریخ آن نشاط چنین گفت | سراج الملک شد امشب قیامت

۱۲۲۲

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد شفیع المتخلص به (وصال) نور الله مضجعه

محمد شفیع وصال از جهان بشد | در این سوگ دیگر صبوری محال است

کنون نشاط زر بهر تاریخ گفت

۱۲۶۲

با جان محمد شفیع وصال است

تاریخ وفات مرحوم میرزا احمد المتخلص به (وقار) روح الله روحه

احمد وقار بر بهشت از دار دنیا شد برون | در لطف ایزد باد روحش در بهشت به

اکنون به تاریخ آن ز وفات نشاط رقم

۱۲۹۸

بهشت وقار پاک بین با احمد مرتضی شد

تاریخ وفات مرحوم محمود خان ملک الشعراء رضوان الله علیه

ناگاه چو از دنیا محمود سخندان رفت | دامان و کنار ما ز آب مژه چون جو شد

۱۳۱۱

نشاط به تاریخش اکنون چه نکو گفتا | ز ما ای جان ای جان محمود ملکخو شد

تاریخ قتل مرحوم ناصرعلی‌خان علیه الرحمة

کشته شد با تیر کین ناصرعلی / آنکه بودی نیک‌سیرت خوش‌سرشت

آنکه از جور جفای آسمان / بستر بالین او خاک است و خشت

رفت ازین دنیای پرخوف و خطر / دوستداران را بدرد و غم بهشت

نعمت اکنون بهر تاریخش نگاشت

۱۲۳۵

ایمن ناصرعلی آمد بهشت

ایضاً

بناحق چو شد کشته ناصرعلی‌خان / ز زمرهٔ شهیدان حق گشت ملحق

چنین نعمت از بهر تاریخ گفتا

۱۲۳۵

بحق دید ناصرعلی جنت حق

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد صادق ابراهیمکری علیه الرحمة

محمد صادق آن یکتا زمین رفت / که روحش در جنان با انبیا بود

تو گفتی آن ادیب نکته‌پرداز / خبر از روح القدس تقوی بود

چو از دنیای فانی کرد رحلت / شد اندر روضهٔ رضوان مخلد

پی تاریخ آن نعمت بگفتا

۱۲۳۵

شفیع صادق است اکنون محمد

ایضاً

ز دار این جهان شد آن ادیب ابراهیمکری / که ملک نظم را بد همچو مالک

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد

۱۲۳۵

کنون رفت فردوس ابراهیمکری

تاریخ وفات مرحوم منور علیشاه نور الله مرقده

زسلوک منور علیشاه پاک   دل دوستان خلق بود پر ملال

بتاریخ آن نعمت زار گفت

١٣٠١

منور علیشاه بد بیمثال

تاریخ وفات مرحوم ذکاء الملک روح الله روحه

ذکاء الملک چون از جهان رفت   بجنت مرغ روحش زد پر و بال

بی تاریخ آن نعمت رقم کرد

١٣٢٥

بهشت شد ذکاء الملک را مآل

تاریخ وفات مرحوم میرزا سید جعفر خان معتمد الممالک طاب الله ثراه

این جهان را گفت چون جعفر وداع   در بهشت جاودانی آرمید

١٣٢٤

کلک نعمت بهر تاریخش بگفت   فضل و جود از پی جعفر برید

تاریخ وفات مرحوم میرزا شفیع خان نصر الملک طاب ثراه

چو از دنیای فانی جنت نصر الملک رفت   رفتنی از زندگی در روضهٔ رضوان مکلم شد

چو آن عالی نژاد هاشمی دین آیین بود   بجنت همنشین با جد پاک خود محشور شد

بتاریخ وفاتش نعمت محزون گفتا

١٣٢٥

شفیع راحم نصر الملک احمد شد

تاریخ وفات مرحوم شیخ غلامعلی شیرازی طاب ثراه

رفت از این جهان غلامعلی   که بود نام پدرش حاجی ولی

آن ادیب سخن سرای حکیم   عارفی بود علمی و عملی

گفت نعمت برای تاریخش

١٣٢٥

باز از این جهان غلامعلی

تاریخ سوختن شهر آمل

ز جفای فلک چو آمل سوخت   تخت و دیوان شکسته بند شکست

آه و افغان اهل شهر همه   سر فلک همچو صبح بر افلاک

مردمان را از این غم جانسوز   شد گریبان صبر و طاقت چاک

کلک نعمت ز بهر تاریخش

۱۳۳۵

ای دل اکنون بسوخت آمل پاک

ایضاً

کنون ز افغان آتش در آمل   فلک را در دل داغی نهاده

پی تاریخ آن نعمت رقم زد

۱۳۳۵

ببین آتش به آمل افتاده

تاریخ وفات مرحوم سعید خان

رفت سلطان ... سعید خان در نوجوانی   زین غم آفاق گشت از دیده تر نفشانی

در جوانی رفت ... چون گل ... دلا   کارها چون ... و قسمت مردم ... خوانی

بهر تاریخ وفاتش نعمت غمدیده گفت

۱۳۲۱

جای سعید زبانشد به بهشت جاودانی

تاریخ وفات مرحوم آقا خان

دریغا کز جفای چرخ پنهان شد   ز چشم یار خوش زیبای آقا خان

به زیر خاک ز بالا رحب اکنون   فتاده قامت زیبای آقا خان

پی تاریخ فوتش نعمت پنهان بگفت

۱۳۲۱

به بهشت ... والی آقا خان

تاریخ وفات مرحوم میرزا ابوالقاسم المتخلص به (فرهنگ) عطر الله مضجعه

رفت از دنیا کنون فرهنگ دانای عجب — کز سخنش در جهان بد گوهر [illegible]

در عزایش ماتم جانسوز آن شیوا خصال — خون دل از چشم مردم جوی سان جاری شود

با دلایل زین سبب اندر چون شد از جهان — بی‌گمان فردا نعیمش جنت صفدر شود

کلک نعمت بهر تاریخ وفاتش زد رقم

۱ ۳ ۰ ۹

شافع فرهنگ آل ابوالقاسم بود

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمود المتخلص به (حکیم) روح الله روحه

حکیم محمود نام که روح او شاد باد — کنون ز دنیای دون بسوی جنت شتافت

چو بهر کوی دوست خواست نشیمن کند — ز بهر همت دگر از این جهان رو بتافت

۱ ۲ ۷ ۴

از پی تاریخ آن نعمت خمیده گفت — حکیم ز علم و حلم مقام محمود یافت

تاریخ وفات مرحومه زیور خانم

چو رفت از جهان زیور پاک گوهر — بر او باد بسیار رحمت داور ابد

شفیعش نفس و کرم مصطفی شد — معینش ز لطف و عطا حیدر ابد

کنیز وفادار زهرا چو بودی — عجب نیست با مریم از همسر ابد

چنین نعمت از بهر تاریخ گفتا

۱ ۳ ۳ ۶

بخلد برین مسکن زیور ابد

چو زیور برون رفت از این خاکدان (الف) — شده دار نعیمش قوی اندرین

تاریخ آن کلک نعمت بگفت

۱ ۳ ۳ ۶

بهشتی شده زیور پاک دین

تاریخ وفات مرحومه فاطمه خانم

فاطمه رفت آنکه از این جهان — وین زمان شد [illegible]

زود فا چون کنیز زهرا بود — حوریان را کنون همین [illegible]

زین عزا یکسره شب و روز — آب از دیدگان روان چون جوست

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱ ۳ ۲ ۹

فاطمه با خدیجه همراز اوست

تاریخ وفات مرحومه نور الهدی طاب ثراها

در جوانی آنکه نور الهدی رفت از جهان — وز ره لطف و کرم شد با [illegible]

بهر تاریخ وفاتش نعمت غمدیده گفت

۱ ۳ ۲ ۹

همنشین فاطمه باشد کنون نور الهدی

تاریخ وفات مرحومه خدیجه علویه

خدیجه [illegible] — دگر زنان همه او با همه عقیم

چو بود فاطمه آخر رفت ز بین آن — ازین جهان شد و اندر بهشت گشت مقیم

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱ ۲ ۳ ۵

خدیجه دید عطا و کرم ز بار کریم

ایضاً

چون خدیجه آنکه جان خرم سفر بست از جهان — همدم خواهر مریم گشت در باغ جنان

وقت زادن رفت بیرون از تن او جان پاک — وین زمان باشد مقامش در بهشت جاودان

از پی تاریخ فوتش نعمت دلخسته گفت

۱ ۳ ۳ ۵

همنشین فاطمه آمد خدیجه با کیان

تاریخ وفات مرحوم حاجی میرزا سید علی رحمه الله

دریغ که سید علی ناگهان　　ز جور فلک رفت از این جهان

بتاریخ آن نعمت زار گفت

۱۳۲۵

مکان علی باغ جنان

تاریخ وفات مرحوم مشیر الدوله طاب ثراه

مشیر الدوله چون رفت از جهان　　اشک از چشم روان شد همچو رود

نعمت اکنون بهر تاریخش نگاشت

۱۳۲۵

مشیر الدوله الحق حیف بود

تاریخ وفات مرحوم محمد حسین خان مشیر خلوت

محمد حسین پاک از این خاکدان چو رفت　　بفردوس با علی دگر همنشین بود

۱۳۲۵

چنین نعمت فرین تاریخ آن نگاشت　　محمد حسین با خلد برین بود

تا

تاریخ وفات مرحوم سید موسی طاب الله ثراه

موسی چو از این دار بدار جنان رفت　　سیلاب روان از مژه دوستان شد

آن سید عارف چو برون رفت ز دنیا　　گفتی که روان همچو جان از تن شد

زد کوس بسوی وطن اصلی خود باز　　با صد شعف و شوق از این دار محن شد

نعمت پی تاریخ وفاتش چه نکو گفت

۱۳۲۵

موسی از این کوی بمیقات وطن شد

تاریخ وفات مرحوم میرزا مهدی شیرازی

شب از اول قمر رخ زندگی بست　　علی در سینه گم شد کار مهدی بست

کنون نعمت ز بهر تاریخ فوتش

۱۳۲۵

خوشش نعمت بگفتا (خدا یار مهدیست)

تاریخ وفات مرحوم عدل الملک کرمانی

زمین سنگ آهن فلک چون ورا فرق کوبی چو درد بشد / ز سوک چنین کم ... جان فرو شد عدل الملک

تمام عمر یاران رفیقان موافق تا / وی بر زبان نخواهم پس شد زمین سوار عدل الملک

والطاف خدای بندگان را رشک حال ابتر / بفردوس برین امروز بنشسته جای عدل الملک

تاریخ وفاتش نیست محزون گردان گفت

۱۳۳۵

بهشت عدن آمد مسکن ماوای عدل الملک

تاریخ وفات مرحوم میرزا لقمان میر دفتر

تقی در جوانی چو رفت از جهان / پریشان شد از غمش خاص و عام

تاریخ آن نیست اینگونه گفت

۱۳۳۵

تقی رفت اول بهشت مقام

الفقه

با حسرت از این رفت از دنیا چو میر دفتر / قوم و خویشان همه کردند بسر خاک بسر

نیست زار تاریخ وفاتش گفت

۱۳۳۵

از ماد بیجان کرد میر دفتر

تاریخ وفات مرحوم میرزا کاظم

کاظم نیک سیر رفت ز دار دنیا / در حق اخلاق پسندیده او بعید بد

بهر تاریخ وفاتش بصد آه و فغان

۱۳۳۱

نیست غمزده گفت از جهان کاظم شد

تاریخ وفات مرحوم امین دفتر

امین دفتر چو شد بدان ز این خاکدان / شفیع روز حساب ورا محمد شود

۱۳۲۸

بدان تاریخ او چه نغز نیست سرود / امین دفتر ورا زاهل جنت بود

تاریخ عروسی

زدر این سور زوجه رشادی — لب جیب بنور ریخته ماه

بهر تاریخ چه خوش نعمت گفت

۱۳۲۲

ایدل این سور بود فرخنده

تاریخ عروسی

این سور که با نشاط وجهت پرور — از حادثه در زمان بادا دور

نعمت به تاریخ چنین کرد رقم

۱۳۲۸

امروز بسی سرور دارد این سور

تاریخ وفات مرحوم میرزا صدرالدین خان طاب ثراه

زکین چرخ بی مهر از جهان چون رفت صدرالدین — شدند از وفاتش جمعی از یاران خاطر غمگین

۱۳۳۵

به تاریخ وفاتش نعمت افسرده دل گفتا — بصدر بزم جنت باد اکنون جای صدرالدین

تاریخ مشروطه شدن دولت علیه ایران

دولت ایران چو شد مشروطه کرد — ثبت بحق بر سر خلقی نهاد

کلک نعمت زد به تاریخش رقم

۱۳۲۴

دولت ایران همی مشروطه باد

تاریخ مریضخانه (احمدیه)

کنون این دکتر عیسی نفس را — فزون شد قدر و جاه از احمدیه

به تاریخ آن نعمت رقم زد

۱۳۳۲

شفای رنج خواه از احمدیه

تاریخ جنگ اروپا

دریغ و درد کز این جنگ عالمسوز — همه روی زمین از خون شده گلرنگ

۱۳۳۲

به تاریخ آن نعمت چنین گفتا — جهانی گشته ویرانه کنون زین جنگ

تاریخ وفات مرحوم میرزا ابراهیم مجتهد محلاتی نور الله مرقده

چو ابراهیم با فتوای عادل | که بُد در بخشش حق چشم مشفق

بسوی روضهٔ رضوان خرامید | برین دنیای دون افشاند دامن

خلایق را از این سوگ جگرسوز | چو شب تاریک گردد روز روشن

پی تاریخ آن نعمت رقم زد

۱۳۲۶

بجنت رفت ابراهیم امن

ایضاً

رفت ابراهیم علامه از این دنیا کنون | لیکه مانندش فقیهی در جهان کم آمده

بهر تاریخ وفاتش نعمت غمدیده گفت

۱۳۲۶

با خلیل الله ابراهیم محرم آمده

تاریخ وفات مرحوم شیخ جعفر سلطان العلماء طاب الله ثراه

چو از دنیا برون شد شیخ جعفر | همی قومی ز سوگش گشت دلخون

چو نیکو بنگری آن شخص کامل | که مانندش ندیده چشم گردون

بملک زهد و تقوی بود ادهم | بمصر علم و عرفان بود ذوالنون

خبر نعمت بتاریخش رقم زد

۱۳۲۶

مکدر شد شفیع جعفر اکنون

تاریخ وفات مرحوم صاحب دیوان طاب ثراه

در این سوگ و عزای جانگداز صاحب دیوان | ز آب دیده مردم را روان شد سیل در دامان

دریغ و درد کان دریای شوکت و حشمت | زچرخ آسمان اکنون بود در زیر زمین پنهان

چو با دوستی علی امروز رحلت کرد از دنیا | شود بس بهره ور فردا از فیض حضرت یزدان

به تاریخ نوشتن نعمت غمگین چنین گفت

۱۳۳۴

بهشت جاودانی شد مقر صاحب دیوان

تاریخ وفات مرحوم نصرالله خان

چو نصرالله در عهد جوانی رفت از این عالم — بهٔ افغان و زاری کار تو شد زان غم جانکاه

تاریخ رفتنش نعمت افسرده گفت

۱۳۳۴

بهشت جاودان آمد همی مأوای نصرالله

تاریخ وفات مرحومه نوش آفرین خانم

نوش آفرین یار ما چون رفت از دار جهان — دارند قومی روز و شب در ماتمش آه و فغان

تاریخ فوتش را کنون زد خامهٔ نعمت رقم

۱۳۳۴

نوش آفرین پاکدین شد از جهان سوی جنان

تار

تاریخ وفات مرحومه ماه تابان خانم

ماه تابان را غروب آمد چو ناگه — روز خویشان همچو شب زین واقعه شد

کلک نعمت بهر تاریخش رقم زد

۱۳۳۴

ماه تابان همنشین آسیه شد

ایضاً

ماه تابان از جفای چرخ اکنون گشته فانی — در جهان بی‌وفا در نوجوانی رفت حاجب

گر دل او را قلب تابان بسته عفت — در عزای ماتمش باشند قومی داغ بر [illegible]

آه کان مستوره پرده‌نشین پاکدامن — زد خراب آباد دنیا ناگهان بر بست محمل

نعمت زخسته غمدیده از اندوه و حسرت

۱۳۳۴

بهر تاریخش بگفتا (ماه تابان گشته فانی)

تاریخ وفات مرحوم میرزا حسین خان صاحب دیوان طاب الله ثراه

شد حسین صاحب دیوان از این دار فنا   لیک بعقبی بست قبه با شرف داور عین

کلک نعمت بهر تاریخ وفاتش زد رقم

۱ ۳ ۳ ۴

دستگیر صاحب دیوان ولا باشد حسین

تاریخ وفات مرحوم شیخ جعفر سلطان العلماء طاب الله ثراه

فقیه نیک سیرت شیخ جعفر   ز دنیا شد کنون از جور اختر

بتاریخش چنین نعمت رقم زد

۱ ۲ ۲ ۴

بهشت است امروز بالا جای جعفر

تاریخ وفات مرحوم ملا محمد باقر یزدی ابهری (مولانا)

محمد باقر پاک از جهان چون شد   کفن ز رنگ دریا گشت جسد را

چون آن نیکو صفت با کدین الحق   نخواهد شد کسی در این زمان پیدا

رقم زد نعمت احسان بهر تاریخش

۱ ۳ ۳ ۴

محمد باقر اکنون رفت از این دنیا

ایضاً

چو مولانا کنون بگذشت از این عالم فانی   ز سوگ جانگدازش رفت از کف صبر و تاب از ما

رقم زد خامه نعمت چنین از بهر تاریخش

۱ ۳ ۳ ۴

بود باغ جنان جاوید جای مولانا

تاریخ وفات مرحوم میرزا عبدالله خان

در جوانی رفت عبدالله ناکام از جهان   وز غمش شد چشم قومی اشکبار از فغان

در عزا و ماتمش گلگونه از یاران دوستان   روز و شب از سوز دل دارند فریاد و فغان

ای دریغ و درد کان نونهال باغ گرفت   از سموم مرگ لاله گلشن عمرش فنا

آن مه چرخ وفاداری اختر برج فتوت — شد زچرخ آسمان زیر زمین اکنون نهان

از جهان امروز با صد حسرت چون کرد رحلت — منزلش فردا بود اندر بهشت جاودان

بهر تاریخ وفاتش نعمت محزون رقم زد

۱۳۳۶

رفت عبدالله از این دار جهان سوی جنان

تاریخ وفات مرحوم میرزای شهدی

زین جهان شهدی سخن پرداز — بسوی آن جهان نهاد قدم

آنکه شعرش چو شهد شیرین بود — جانش کرد بکام اخدم

چون ز کهنه رباط دنیا رفت — گشت اندر مقام باغ ارم

ماتم جانگداز دلسوزش — کرد نالان مرا و در غم توأم

هل

تا سخن با آن عیان نکته گفت نعمت برای تاریخش

۱۳۳۶

شهدی از اکنون رفت زین عالم

ایضاً

شهدی چو زدنیای دنی رفت برون — گشت از غم او دل ادیبان پر خون

نعمت پی تاریخ وفاتش گفتا

۱۳۳۶

شهدی شده زین جهان بجنت اکنون

تاریخ وفات مرحوم مهدی خان علیم الدوله طاب الله ثراه

از دار جهان چو رفت بیرون مهدی — گرد از غم خود دل همه پر خون مهدی

تاریخ وفات او چنین نعمت گفت

۱۳۳۶

صد آه که غایب بود اکنون مهدی

تاریخ وفات مرحوم ملا محمد قزوینی الشهیر به (مولانا)

چو مولانا کنون گفت وداع عالم فانی
ز سوگ جانگدازش رفت مهر و صبر و تاب از ما

رقم زد خامه نعمت چنین از بهر تاریخش

۱ ۳ ۳ ۴

بود باغ جنان جاودانه جای مولانا

الحق

مهر باقر پاک از جهان چون شد
کناره از نیک و دریا گشت حب را

رقم زد نعمت اینسان بهر تاریخش

۱ ۳ ۳ ۴

مهر باقر چون رفت از این دنیا

تاریخ وفات مرحوم فضل الله میرزا طاب ثراه

چون ز دنیا رفت فضل الله پاک
داغ حسرت بر دل قوم نهاد

این زمان از رحمت فضل اله
روح پاکش گشت در فردوس شاد

قمری

[illegible] نعمت اکنون بهر تاریخش بگفت

۱ ۳ ۳ ۴

نیک آئین بود فضل الله راد

الحق

کنون فضل الله نیکو خصایل
اجل خود رشته عمرش بریده

ز این دنیای فانی رفت با حال
بصد بزم جنت آرمیده

پی تاریخ آن نعمت رقم زد

۱ ۳ ۳ ۴

ز داور لطف فضل الله دیده

تاریخ وفات مرحوم میرزا فتح الله طهرانی

آه کز جور فلک فتح الله
اینک از دار جهان ناگه شد

رفت بربست وزین کهنه رباط
جنتش مامن و منزلگه شد

چون برافکند ز جان پردهٔ تن — سنگ از زر بند در آن آنکه شد

آن ملک سیرت پاک آیین را — لطف ز جان علی همره شد

نعمت اکنون پی تاریخش گفت

۱۳۳۴

در جنان مسکن فتح الله شد

تاریخ وفات مرحوم محقق السلطنه طاب ثراه

محقق السلطنه رفت ز دار جهان — وز غم خود داده داغ بر دل قوم نجیب

آه و دریغا که آن در سپهر جلال — بستر و بالین نمود زمانه‌اش خاک و خشت

سال وفاتش نعمت دلخسته گفت

۱۳۳۳

محقق السلطنه دیده نعیم بهشت

تاریخ وفات مرحوم میرزای بهجت

بهجت آن اهل دین ز دنیا رفت — لیک با تقوی خدا از زاد رفت

شد برون از جهان پرمحنت — دین زمان در بهشت عدن آسود

از در این سوگ در ماتم جانسوز — نک با رمز دیده‌ها سیحون رود

گفت نعمت برای تاریخش

۱۳۳۴

حیف آن بهجت سخندان بود

ایضاً

بهجت شد از این فنای دنیا فانی — دار سرور بود بهشت گردید داری

نعمت پی تاریخ کنون کرد رقم

۱۳۳۴

صد آه برفت بهجت از این دنیی

تاریخ وفات مرحوم حسینعلیخان ایروانی سرزم

شد ز دنیا حسینعلی اکنون　　بعد ... ۱۵۰۱

آه و افسوس کز جفای فلک　　بستر ش خاک گشت و بالین خشت

آن ملکخو بمزرع دنیا　　در همه عمر تخم نیکی کشت

گفت نعمت زبهر تاریخش

۱۳۳۴

باشد الله حسینعلی بهشت

ایضاً

از دار جهان حسینعلی رفت برون　　زین ماتم او شد دل قومی پر خون

نعمت پی تاریخ وفاتش گفتا

۱۳۳۴

داری حسینعلی جنت اکنون

تاریخ وفات مرحوم مذهب باشی

آه و افسوس کز سرای جهان　　شد برون زود مذهب باشی

وصف جانان چو بر زبان سودا کرد　　بر زبس سود مذهب باشی

دامن پاک بود کنهی　　خوب بود مذهب باشی

نعمت از جان پی تاریخش هنر

۱۳۳۴

یارب بود مذهب باشی

ایضاً

مذهب باشی از دار جهان چون شد　　شد ز ماتمش لطایفه غمگین

تا تاریخ وفاتش نعمت اکنون گفت

۱۳۳۵

مذهب باشی ای جان ز دل رست بهین

تاریخ وفات مرحوم میرزا سید یعقوب صدر العلمای قزوینی طاب الله ثراه

رفت صدر العلما تا که از این دار جهان — زد غمش [illegible] سعید رضوان

اندر این سوگ جگر سوز ز سیلاب سرشک — دامن زنده ز جیب بود چون جیحون

نام یعقوب در اندوه بسان یوسف — خرم زشد و ز زندان جهان رفت برون

نعمت از ره تاریخ وفاتش گفتا

۱۳۳۴

دیده صدر العلما جنت یزدان اکنون

ایضاً

صدر العلما شد ز جهان و ز غم او — دامن همه زر سینه سرشکم چون جو

نعمت پی تاریخ چنین کرد رقم

۱۳۳۴

صدر العلما گشت ز اهل مینو

[illegible] تاریخ وفات مرحوم میرزا علی اکبر خان طهرانی

[illegible] شد — زد بر چرخ رفت از دار دنی

چو نور علی از این جهان شد — مقامش گشت در فردوس اعلی

بد ز دیشان نور رخش چون مهی — بعد از آن رحمت دیار مولی

پی تاریخ آن نعمت کنون گفت

۱۳۳۴

علی اکبر بجنت یافت مأوی

تاریخ وفات مرحوم حاجی شیخ هادی طهرانی

هادی خوش طینت از دار جهان — رفت و یاران را بسوگ خود بنشست

نعمت ایشان بهر تاریخش بگفت

۱۳۳۴

مسکن هادی شده عدن بهشت

تاریخ وفات مرحوم میرزا رضا خان طهرانی

ز دار جهان رفت میرزا رضا — که بودی ... [illegible]

ز دنیا چو شد با ولای علی — مر او را بود جا به فیض خدا

کنون زین غم و اندوه جانگداز — روان چشمه خون شد از چشم ما

تا تاریخ آن نعمت او را بگفت

۱۳۲۶

ز دار دهر رفت دید جهو وطن

تاریخ وفات مرحوم میرزا اسمعیل خان طهرانی طاب ثراه

ز دنیا رفت اسمعیل خان واکنون — مقیم باغ فردوس است با اقبال

تا تاریخ وفاتش نعمت نهان بگفت

۱۳۳۶ ه

شد اسمعیل راهی بهشت اقبال

تار

تاریخ وفات مرحوم محمود خان مشعل الملک

چون برفت از این گیهان زین جهان محمود — رهنمایش سوی جنت طالع مسعود شد

ز خلایق روز مرگش شد مکدر این زمان — با درود صد هزاران سوی خالق معبود شد

بهر تاریخش کنون محمود نعمت زد رقم

۱۳۳۶

بهره بس از نعمت مینو دلا محمود شد

تاریخ وفات مرحوم علاء السلطنه طاب الله ثراه

علاء السلطنه عالی گهر رفت از جهان واکنون — ز سوگ جانگدازش کار قومی گشت بس منکر

پیمبر چون شفیع وی بود اندر صف محشر — بپیوندد چو در جنان از رضای عادل داور

تا تاریخ وفاتش نعمت افسرده است گفتا

۱۳۳۶

علاء السلطنه آمد بفردوس دگر منزل

تاریخ وفات مرحوم رحمتعلیشاه رحمة الله علیه

زین جهان رحمتعلیشه شد برون　　　لیکن [illegible]

نعمت اکنون بهر تاریخش بگفت

۱۲۲۸

دیده بس رحمتعلیشه لطف هو

تاریخ وفات مرحوم عبدالعلی میرزا طاب ثراه

رفت زاین ظلمتسرا عبدالعلی اکنون برون　　　که درانش باد از نور تجلی بخش

بهر تاریخ وفاتش خامه نعمت بگفت

۱۳۳۴

عفو و رحمت دهد از داور بسی عبدالعلی

تاریخ وفات مرحوم میرزا هاشم خان

هاشم عالی گهر چون شد ز دنیا　　　دوستان با درد و غم گشته توام

۱۳۳۴

بهر تاریخش چنین نعمت رقم زد　　　هاشم نیک با محمد گشته همدم

الفاً

[illegible]

هاشم از دنیای فانی چون برون　　　سوی فردوس برین بشتافت

کلک نعمت بهر تاریخش بگفت

۱۳۳۴

هاشم اکنون عفو داور یافت

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد تقی گرگانی طاب ثراه

محمد تقی چون ز دار جهان رفت　　　کنارم ز سیل سرشک است چون جوی

بتاریخ آن نعمت اینگونه گفت

۱۳۳۴

محمد تقی را مکان شد بمینوی

تاریخ وفات مرحوم سید مهدی اصفهانی

مهدی هاشمی نیک نهاد　　　این زمان روی ز دنیا برتافت

از جهان رخت سفر بست کنون　　　بسوی جنت موعود شتافت

نعمت زار تاریخش گفت

۱۳۳۴

وحیدی پاک زروح جنت رفت

تاریخ وفات مرحوم لطفعلیخان طهرانی

چون لطفعلی که ازین دار جهان رفت   شد دامن همه قوم ز آب دیده چو جوی

نعمت پی تاریخ بدینگونه رقم زد

۱۳۳۴

شد لطفعلی بانش امروز بمینوی

تاریخ وفات مرحوم میرزا وحیدی

ز لطف و عطای ایزد بیهمتا   فردوس کنون مسکن وحیدی آمد

زد خامه نعمت پی تاریخ رقم

۱۳۳۴

در خلد برین مأمن وحیدی آمد

تاریخ وفات مرحومه رقیه خانم

رقیه ناگهان از جهان رفت   که چون مریم بدی در خوش سرشتی

پی تاریخ فوتش نعمت زار

۱۳۳۴

چنین گفتا رقیه شد بهشتی

ایضاً

ز جور فلک رقیه آسیه خوی   بنهاد ازین جهان بدان عالم روی

نعمت پی تاریخ وفاتش گفتا

۱۳۳۴

با دلی رقیه رفت اکنون بمینوی

تاریخ وفات مرحوم محمد قلیخان کرمانی

دریغا محمد قلی از جهان شد   که بعد وجودش بپاکی سرشته

۱۳۳۴

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد   محمد قلی شد بسان فرشته

تاریخ وفات مرحوم لسان الواعظین علیه الرحمه

لسان الواعظین چون از جهان رفت | مقامش در بهشت عدن کرد

بهر تاریخ آن نعمت بگفت

۱۳۳۶

لسان الواعظین از زر عطا در

تاریخ وفات مرحوم میرزا احمد خان طهرانی

احمد از دنیای فانی کرد رحلت | و زده رفت و بعنش شد محو

نعمت مخزون بی تاریخ گفت

۱۳۳۶

از جهان کی بخت رفت احمد

ایضاً

چو احمد از جهان رخت سفر بست | مراد دل ها رویا ور شد محو

۱۳۳۶

بهر تاریخ آن نعمت رقم زد | شفیع احمد ایدل گشته احمد

تاریخ وفات مرحوم ... علیه اعلی الله مقامه

عارف روشن ضمیر ... | آه که از جور چرخ رفت ز دار جهان

چون درجات آن پاکجان ... | مرده است و دگر زنده به جاودان

زردی و سر ... | شامل حالش بود رحمت حق این زمان

رفت زبیر رسول نعمت گفت ... | واقف دانا که گشت ... از جهان

گرچه تن پاک او رفت به زیر زمین | لیک روانش صعود کرد بسوی آسمان

حق ز وصف آن ... طریق ... | عاجز و قاصر بسی ... کلک و زبان

نعمت مخزون کنون از پی تاریخ گفت

۱۳۳۶

دفا علیه ... اندر جنان

ایضاً تاریخ وفات مرحوم نفاعلیشاه نورالله مضجعه

نفاعلیشاه رفت ازین جهان خراب   وز ره رفت علی یار و نعمتش شد

از پی تاریخ آن نعمت عمر بگفت

۱۳۳۶

نفاعلیشاه پاک بهشتی نسب بود

تاریخ قتل نورالدین شاه طاب الله ثراه

چونکه نورالدین شه از دنیا برفت   از تن درویشان و یاران شد رمق

آنکه اندر راه فقر و فنا   از همه سروران ره بردی سبق

آن مه و در سپهر عز و جاه   بعد نورانی دلش چون فلق

دوستان از ماتم آن نوجوان   روز و شب در خطراند و قلق

گر نظر در دفتر دوران کنی   دمبدم بینی که بر گردد ورق

کلک نعمت زد بتاریخش رقم

۱۳۳۷

دیده نورالدین شه از ریش رمق

ایضاً

بناگه رفت نورالدین ز دنیا   که جایش در بهشت جاودان باد

دریغا کز جفای چرخ بی مهر   کنون رفتش بسر عمر بر باد

ازین سوگ دغرای خاطرش سوز   ز هر جانب دل ما بر کشد فریاد

تمام عمر خود کاین غم و درد   نخواهد دوستان را رفت از یاد

پی تاریخ آن نعمت بگفتا

۱۳۳۷

بجنت روح نورالدین بود شاد

تاریخ قتل مرحوم جعفر قلی میرزا

افسوس که جعفر قلی پاک سرشت   [illegible]

تاریخ در نعمت رنجه نوشت

۱۳۲۶

جعفر قلی نیک بعد از این بهشت

تاریخ وفات مرحوم میرزا صادق خان مدحت الملک

مدحت الملک ستوده اخلاق   روی بنهاد بدار عقبی

دستگیر فقرا چون بودی   بهره ور گشت ز لطف مولی

آن پسندیده سیر را اکنون   شد مکان زیر درخت طوبی

بهر تاریخ چنین نعمت گفت

۱۳۲۶

مدحت الملک رفت از دنیی

ایضاً

ایضاً

از جور فلک شیر فرح صادق رفت   گردید گریبان ز غمش یاران چاک

نعمت پی تاریخ کنون کرد رقم

۱۳۲۶

شد زاین بهشت جاودان صادق پاک

تاریخ وفات مرحوم دکتر عبداللطیف خان

عبداللطیف نیک سیر چون شد از جهان   صبر و شکیب رفت بیکبارگی ز ما

آن فیلسوف که چو افلاطون عصر بود   آیا نکرد درد اجل عاقبت دوا

زد کلک نعمت از پی تاریخ آن رقم

۱۳۲۶

عبداللطیف رفت و کرم دیده ز خدا

تاریخ وفات مرحوم سید جواد طهرانی

جواد پاک نسب چون برفت از دنیا   همه قبیله دردمند بر سر تن

گفت نعمت قصیده بهر تاریخش

[illegible]

۱۳۳۴

جاودان باد جان گشته این زمان ایمن

تاریخ وفات مرحوم شیخ احمد طهرانی

احمد از این جهان رفت به بهشت — دوستان را بماتم جانسوز

نعمت اینگونه گفت تاریخش

۱۳۳۲

جای احمد شده بهشت امروز

ایضاً

شیخ احمد چو از این دنیا رفت — شد بفردوس برین منزل

بهر تاریخ کنون نعمت گفت

۱۳۳۲

گشت احمد بجنان نفس محضر

نها

تاریخ وفات مرحوم حاجی صدق الممالک

چون ز دنیا رفت صدق الممالک راد — شد همه قومی ز رنج و درد و ملال

آن خوش اخلاق پسندیده صفات — زاهد و زرق رخنه بود در جدال

نعمت اکنون بهر تاریخش گفت

۱۳۳۲

بود صدق الممالک با فضل و کمال

تاریخ وفات مرحومه رخشنده خانم

رخشنده ز کین چرخ بی مهر — ناگاه از این جهان برون شد

نعمت بسرود بهر تاریخ

۱۳۳۲

رخشنده پاک چون ملک بد

ایضاً

رخشنده برفت از جهان و زغم او — خونبار همه بستگان شد دیده

نعمت بی تاریخ وفاتش گفت

۱ ۳ ۳ ۲

رخشنده بس چو ز زندان دیده
تاریخ وفات مرحوم میرزا زین العابدین شیرازی طاب الله ثراه

رفت زین العابدین آن که دین چون ز جهان   چشم یاران شد ز سوگش اشکبار و خونفشان

آه کان انسان کامل رفت سوی آسمان   چون ملک از دیده مردم دگر شد نهان

عالم فانی بصد شوق و شعف بدرود گفت   دین زمان بگرفت منزل در جنت جاودان

کلک نعمت بهر تاریخ وفاتش زد رقم

۱ ۳ ۳ ۲

گشت زین العابدین حق گو نه زاهد جهان
تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد حسن شیرازی طاب ثراه

چون محمد حسن بالا از این دنیا رفت   هاتف غیب ندا کرد که الله معک

تمت

نعمت اینگونه بتاریخ وفاتش گفتا

۱ ۳ ۲ ۵

شد محمد حسن پاک بهشتی آیت
تاریخ وفات مرحوم میرزا علی اکبر شیرازی

علی اکبر از این دنیای فانی   بسوی جنت جاوید بشتافت

بی تاریخ آن نعمت قلم زد

۱ ۳ ۲ ۷

علی اکبر دگر از زنده کرم رفت
تاریخ وفات مرحوم میرزا کریم خان تهرانی

چون شد ز جهان کریم دانش آموز   گشتیم غمین از این عزای جانسوز

زد خامه نعمت بی تاریخ رقم

۱ ۳ ۳ ۵

بس دید کریم از خدا لطف امروز

ایضاً تاریخ وفات مرحوم میرزا کریم خان

کریم بالاو رفت از این جهان زحق — [illegible]

تاریخ وفاتش نعمت بگفته غمگین

۱۳۳۲

کنون گفت کریم ایدل بهشتی شد

تاریخ وفات مرحوم میرزا مهدی خان قائم طاب ثراه

بسوگ جانگداز مهدی بالا — زچشم دوستان صد جوی خون رفت

بی تاریخ آن نعمت چنین گفت

۱۳۳۲

بجنت مهدی از دنیای دون رفت

ایضاً

مهدی اکنون گفت دنیا را وداع — دلحق از به پاکدین و پارسای

۱۳۳۲

نعمت محزون بتاریخش بگفت — رفت مهدی این زمان جوهر خدای

زنها

تاریخ وفات مرحوم آقا یوسف طهرانی

یوسف خوش گو فصال پاکدین — آنکه از زندان دنیا شد برون

کلک نعمت بهر تاریخش نوشت

۱۳۳۲

دید یوسف فضل وجه حق کنون

ایضاً

زین جهان یوسف عزیز چو رفت — دید لطف و کرم بسی از حق

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱۳۳۲

یوسف ایدل فرشته شد بالحق

تاریخ وفات مرحوم حاجی آقا نورالدین بروجردی طاب الله ثراه

ای دریغ و درد کز جور فلک — رفت نورالدین فاضل از جهان

شد تن پاکش نهان زیر زمین — که بگورش نور بارد ز آسمان

الحق از زهد و تقوی هست جواد — که نشان منعم و زاین دو بر زمان

کلک نعمت زد به تاریخش رقم

۱۳۲۶

گشت نورالدین کنون اهل جنان

تاریخ وفات مرحوم میرزا عباس خان قوام الدوله طاب الله ثراه

قوام الدوله رفت از این جهان ما گذران — مراد او را منزل و مسکن بجنت شد

پی تاریخ آن نعمت چنین گفتا

۱۳۱۴

قوام الدوله را مأمن بجنت شد

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد علیخان قوام الدوله طاب الله ثراه

قوام الدوله نیکو خصال — زدنیا سوی جنت روی بنهاد

محمد یار و در یارش علی شد — بفردوس برین روحش بود شاد

۴

تا ابد هم بود علی بر خویشتن شد — ز جان و هم بر رحمت فزا

پی تاریخ آن نعمت کنون گفت

۱۳۲۰

قوام الدوله در خلد برین ا

تاریخ وفات مرحوم میرزا مصطفی خان دوام السلطنه طاب ثراه

دوام السلطنه چون رفت از دنیا — خدا او را ز روی لطف آمرزید

رقم زد خامه نعمت پی تاریخ

۱۳۲۵

دوام السلطنه از فضل از حق دید

تاریخ وفات مرحوم شیخ علی مدعی العموم رشتی

علی زین جهان بست رخت سفر — که لطف علی باشدش رهبر

۱۳۲۶

به تاریخ آن کلک نعمت نگفت — علی بود از اهل فضل و هنر

تاریخ وفات مرحوم میرزا مهدی خان [illegible]

چو مهدی رفت از این دار فانی | بفردوس برین آمد مقیم [illegible]

ز فضل حق کنون آن پاک آئین | بجنت همنشین شد با ائمه

بتاریخش چنین نعمت رقم زد

۱۳۳۲

شفیع مهدی ایدل گشت احمد

ایضاً

مهدی از جور فلک شد ز جهان | که فلک زیر و زبر گردش باشد

چرخ با ناخن غم زین ماتم | دست بر سینه و رخ بخراشد

نعمت از بهر تاریخش گفت

۱۳۳۲

مهدی امروز بهشتی باشد

ایضاً تاریخ وفات مرحوم شیخ علی مدرس العلوم رشتی

علی چون با شرف [illegible] | بجنت این زمان [illegible]

بی تاریخ وفاتش نعمت اکنون گفت

۱۳۳۲

علی از رحمت حق بهره ور باد

تاریخ وفات مرحوم سید عبدالکریم مدرس [illegible]

عبدالکریم سید عالی نژاد پاک | عیسی صفت ز دار جهان رفت بر فلک

زد کلک نعمت از پی تاریخ آن رقم

۱۳۲۴

عبدالکریم [illegible] بر فلک

تاریخ وفات مرحومه عزیز الملوک خانم

عزیز الملوک رفت و از این جهان برفت | بدار رحمت خدای دگر بیکدم رسید

۱۳۳۲

کنون نعمت چنین بتاریخ آن گفت | عزیز الملوک پاک همی فضل حق دید

تاریخ قتل مرحوم علیرضا خان عماد لشکر

تا حق چو علیرضا بخون در غلطید — از حق بوی الطاف و عنایات رسید

نیست به تاریخ چنین کرد رقم

۱۳۲۶

ای دل بجنان علیرضا مأوی دید

ایضاً

عماد لشکر از جور و جفای چرخ — کنون گشته بخون خویشتن مقتول

به تاریخ قتلش نیست نهان سخن

۱۳۲۶

عماد لشکر آمد حالی مقتول

تاریخ وفات مرحوم آقا رضای طهرانی

رضا این جهان را چو بدرود گفت — بسوی جنان کرد رو خوش صعود

۱۳۲۶

بتاریخ آن کلک نیست نگفت — رضا باز از نزد کرم دید جود

ایضاً

ایضاً

تا که چو رضا رفت ز دار دنیا — شد بهره ور از عنایت فضل خدا

نیست به تاریخ وفاتش سخن

۱۳۲۶

ای بجنان اکنون مأوای رضا

تاریخ وفات مرحوم میرزا هادی عکاس اصفهانی

هادی خوش خصال نیک نهاد — رفت از این جهان به جنت

نیست اکنون گذشت تاریخش

۱۳۲۶

رفت هادی ز قرب رحمت

تاریخ وفات مرحومه حمیده خانم

زنا که از این جهان رفت چون حمیده پاک — مدام نور بر گورش ز آسمان بارد

۱۳۲۶

گذشت نیست غمیده به تاریخش — حمیده خلد برین جایگه کنون دارد

ایضاً تاریخ وفات مرحومه حمیده خانم

حمیده که گو فضلت بار سا   زو دار فنا شد بگلستان بقا

تاریخ آن نعمت اینگونه گفت

۱ ۳ ۳ ۲

حمیده بهر رفت لطف خدا

تاریخ وفات مرحوم میرزا شکرالله مذهب

رفت شکرالله یکتا آیین ز دنیا   ز غمش گشته خاطر جمعی پریشان

کلک نعمت بهر تاریخش رقم زد

۱ ۳ ۳ ۲

دید شکرالله رحمت یزدان

تاریخ وفات مرحوم علیخان ملک الشعرای یزد الله رحمه

علی رفت زین دار دیری صفت   به اوج فلک کرد روحش صعود

بهر شفیع شفیعش چو شد   کرم دید از کردگار ودود

بهر

بملک کمال و بصیرت رسید   چو یوسف بدی هم عزیز الوجود

بتاریخ آن نعمت زار گفت

۱ ۳ ۳ ۲

ز دار دهر علی دید بس فضل و جود

تاریخ وفات مرحوم میرزا محمد ولی قزوینی طاب ثراه

ز دنیا محمد ولی رفت زین غم   که بی آن در همه قومی سراسر

بهشت برینش مقام است اکنون   علی چون در آن رهنما گشت رهبر

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد

۱ ۳ ۳ ۲

محمد ولی با صدرش شد همبر

ایضاً

محمد ولی چون رفت از جهان   بسی دید لطف و کرم از علی

تاریخ آن نعمت اینگونه گفتمش

١٣٣٧

گفتم ذات بهی نعمت دولت

تاریخ تاسیس مدرسه دار المعلمین

مفتاح علم و حکمت دار المعلمین است — دائر شد و گشت مفتوح از فضل و حجت حق

از روی شوق نعمت تاریخ آن چنین بگفت

١٣٣٧

دار المعلمین است اکنون مفید الحق

تاریخ ولادت میرزا محسن خان طهرانی

محسن یکی شمایل چو بدنیا آمد — شاد گشته همه خانواده از پیر و جوان

بهر تاریخ به صد شوق و شعف نعمت گفت

١٣٣٤

محسن پاک سرشت آمده اینک بجهان

تاریخ ولادت رضوان خانم

از پی سال رضوان پاکیزه سرشت — شادی رز فزاری ... آمده

گفت نعمت بهر تاریخش بگفت

١٣٣٣

این زمان رضوان بدنیا آمده

تاریخ ولادت اختر خانم

اختر خوش خصال نیک نژاد — مقدمش فرخ و مبارک باد

گفت نعمت ز بهر تاریخش

١٣٣٥

اختر پاک آمده بجهان

تاریخ ولادت اقدس خانم

کنون اقدس که عمرش جاودان باد — بعالم جانفزا و دلکش آمد

١٣٢٩

پی تاریخ آن نعمت رقم زد — همین دینی بس اقدس خوش آمد

تاریخ ولادت فخر خانم

چو آمد فخر زنان بدنیا   دگر [illegible]

ز فیض مقدمش گوئی ز بالا   بکف آمد زرخشان گوهر آمد

تاریخش گفتم نعمت رقم زد

١٣٢٢

دلا باد بشارت فخر آمد

تاریخ ولادت اختر خانم

از قدوم اختر درخشنده‌اش   محفل یاران منور آمده

آن پسندیده صفات نیک ذات   جان فزود روح پرور آمده

بهر تاریخش چه خوش نعمت سرود

١٣٢٤

مژده باید داد اختر آمده

تاریخ ولادت گوهر تاج خانم

بحمدالله [illegible]   که در ملک وفا گیرد ز خوبان باج

[illegible]

پی تاریخ آن نعمت رقم نمود

١٣٢٩

بگیتی آمد اکنون نیک گوهر تاج

تاریخ ولادت اقدس خانم

بدین عالم کنون نهال اقدس رسید   شود [illegible] پسندش برس

پی تاریخ آن نعمت چه خوش گفت

١٣٢٩

بدنیا آمده نیکو سرشت اقدس

تاریخ ولادت طوبی خانم

هزاران شکر ز فضل خداوند   بعالم این زمان طوبی بیامد

١٣٢٢

پی تاریخ آن نعمت کنون گفت   چه خوش طوبی در این دنیی بیامد

تاریخ ولادت طاهره خانم

ز فیض لطف ایزد طاهره پاک　　　از آن عصمت بدین دنیا [illegible]

بتاریخش چنین نعمت رقم زد

۱۳۳۰

خوش اکنون طاهره زد پا بدنیا

تاریخ ولادت محمود آقا

بدنیا آمده امروز محمود　　　که بادا طالعش میمون و مسعود

رقم زد کلک نعمت بهر تاریخ

۱۳۲۶

بزرگ طلعت یزدان بادا محمود

تاریخ ولادت میرزا محمد

آمد بجهان محمد از رحمت حق　　　با چهره که برده است از گل رونق

۱۳۲۶

نعمت پی تاریخ کنون خوش گفتا　　　فرخنده قدم بود محمد الحق

تاریخ ولادت میرزا ابوالقاسم

ز ابوالقاسم شد زحمت تنگی　　　بدین عالم اکنون بسی بخش آمد

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد

۱۳۳۴

ابوالقاسم ای جان بدنیی خوش آمد

القصه

ابوالقاسم بدین عالم چو بیرون آمد　　　همه خویشان او را گشت خوش فال

بتاریخش کنون نعمت چنین گفت

۱۳۳۴

ابوالقاسم بود فرخ لقا کمال

تاریخ ولادت زهرا خانم

زهرای فرشته خو بدنیا آمد　　　وز مقدم او نشاط در دهر آمد

۱۳۳۰

نعمت پی تاریخ چنین کرد رقم　　　زهرای نکو سرشت در دنیا آمد

تاریخ ولادت میرزا علی

علی پاک نسب چو که بدنیا آمد — گشت نعمت [illegible] ز شوق جان

بهر تاریخ چه خوش نعمت لب آرا زد

۱۳۲۶

علی نیک سرشت آمده ای جان بجهان

تاریخ ولادت میرزا عبدالحسین

در این عالم کنون عبدالحسین آمد — که بالا در کنف در زکرم مولی

رقم زد خامهٔ نعمت بتاریخش

۱۳۲۱

چه خوش عبدالحسین آمد باین دنی

تاریخ ولادت علی حسین خان

بجهان آمده غلامحسین — که همه قوم راست نور دو عین

۱۳۲۵

گفت نعمت ز بهر تاریخش — مژده کآمده غلامحسین

تاریخ ولادت ایرج خان

چو ایرج [illegible] — گشته در عیش و طرب بابا

بی تاریخ آن نعمت چه خوش گفت

۱۳۲۴

مبارک فال گشته ایرج زیبا

تاریخ ولادت میرزا خان

کنون ... ذات ... — بدنیا چه خوش بخت و اقبال آمد

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد

۱۳۲۳

بفرخنده کی ... آمد

تاریخ ولادت میرزا محمد حسین اقبال نظام

بدنیا محمد حسین آمده — که الحق بود ... نور عین

۱۳۲۲

بتاریخ آن کلک نعمت نگاشت — خوش اقبال بنی محمد حسین

تاریخ ولادت اکبر آقا

مژده که اکنون اکبر آمد / که با شرف بخت و طالع سعد مقبل

پی تاریخ آن نعمت قلم زد

۱۳۱۲

بشارت کامد اکبر پاک ایدل

تاریخ ولادت احمد آقا

صد شکر که احمد آمد اکنون / با طالع سعد و بخت فرزند

نعمت بسرود بهر تاریخ

۱۳۱۹

احمد بجهان خوش آمد آمد

تاریخ ولادت محمود آقا

هزاران شکر کامد در جهان محمود / که آمد با طالع فرخ و مسعود

۱۳۲۱

پی تاریخ آن نعمت کنون گفت / مبارک باد خوش اقبال آمد محمود

تاریخ ولادت میرزا ابوالقاسم

ابوالقاسم کنون آمد بدنیا / که با دور شرف بود صفت سرشته

پی تاریخ آن نعمت حسن گفت

۱۳۲۳

ابوالقاسم بدان حالا فرشته

تاریخ ولادت علی نقی خان

امروز چو علی نقی سوی جهان / گفتی آمد بتن خسته جان بدان

بهر تاریخ بصد شوق شعف نعمت گفت

۱۳۲۸

باز علی نقی لطف خداداد ای جان

تاریخ ولادت وحید تقی خان

این زمان وحید تقی آمد بدنیا / بشد امید که بس باشنده آید

۱۳۳۲

کلک نعمت بهر تاریخش رقم زد / مقدم وحید تقی فرخنده آید

تاریخ ولادت نور رخشنده خانم

چونکه نور رخشنده آمد در جهان / از لطافتش گشت روشن چشم ما

نعمت اکنون بهر تاریخش سرود

١ ٣ ٢ ٩

دید نور رخشنده ناز و چهره ما

تاریخ ولادت گوهر خانم

بدین دنیی ولادت گوهری / ز لطف و رحمت رب احد

پی تاریخ آن نعمت چنین بگفت

١ ٣ ٢ ٥

بدنیی آن چه خوش گوهری باید

تاریخ ولادت زهرا خانم

چون زهرا این زمان آمد بدنیا / بس الحق شاد و خرم شد دل ما

١ ٣ ٣ ٢

رقم زد کلک نعمت بهر تاریخ / خوش اقبال آمده زهرای زیبا

تاریخ ولادت رقیه خانم

بهر شد دنیا بهشت جاودان / چون که خوش آمده رقیه

نعمت بسروده بهر تاریخ

١ ٣ ٢ ٠ ۲۴۲

حالا چه خوش آمده رقیه

تاریخ وفات مرحوم میرزا حسینخان طهرانی

کنون شد حسین زین دار فانی / بسوی روضه رضوان روان گشت

ز بهر آن شهور افلاک شد ماه / بسوی گلشن کاره آره رفتن گشت

رقم زد کلک نعمت بهر تاریخ

١ ٣ ٣ ٧

حسن بالا من هادی جنان گشت

تاریخ وفات مرحومه شوکت خانم

شوکت چو از این جهان بر رفت / ادی رکهان ابد بخت آمد

نعمت پی تاریخ ولادتش گفت

۱۳۳۶

فردوس ولا مقام شوکت آمد -

تاریخ ولادت میرزا رضا

بدین عالم رضا امروز آمد   که با او دستگیریش لطف مولی

پی تاریخ آن نعمت چه خوش گفت

۱۳۲۴

رضای نیک فال آمد بدنیا

تاریخ ولادت میرزا ضیاء الدین

ضیاء الدین که نور دیده نعمت   بدنیا ده چه خوش اقبال آمد

بتاریخش کنون نعمت رقم زد

۱۳۲۶

ضیاء الدین مبارک فال آمد

تاریخ ولادت میرزا علی

علی اندر جهان اکنون قدم نهاد   که بر شش باد لطف و رحمت مولی

رقم زد خامه نعمت بتاریخش

۱۳۲۶

علی آمد چه خوش سوی این دنیا

ایضاً

همایون فر علی آمد بدنیا   که در خوبی بود بی شبه و بی ند

پی تاریخ آن نعمت چه خوش گفت

۱۳۲۶

علی آمد ز بیت لطف ایزد

تاریخ ولادت آقای کوچک

آقای کوچک امروز آمد چه خوش بدنیا   در مقدمش گردید شکفته بس فرحناک

ز روی شوق نعمت تاریخ آن کنون گفت

۱۳۲۵

آقای کوچک آمد این چون فرشته پاک

تاریخ ولادت مطهره خانم

اکنون مطهره طاهره روی زمین چون جان گردید　　امید که [illegible] گردد لطف مولی

نعمت ز شوق شادی تاریخ آن چنین گفت

۱۳۳۴

زیبا مطهره پاک آمد چه خوش ببینی

ایضاً

آمد اکنون مطهره بجهان　　که بود تهنیت و فرخ فال

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱۳۳۴

هان خوش آمد مطهره با کمال

تاریخ ولادت طاهره خانم

آمد بجهان چو طاهره پاک نهاد　　گشتند همه قوم و قبیله دلشاد

۱۳۳۰

نعمت پی تاریخ اکنون خوش گفت　　فرخنده قدم طاهره زیبا

ایضاً

ایضاً

[illegible] طاهره [illegible] تاریخ اکنون　　در جهان چون بهشت فتح آمد

گفت نعمت ز بهر تاریخش

۱۳۲۰

مقدم طاهره فرخ آمد

تاریخ وفات مرحوم سید یحیی طباطبائی

آه که یحیی ز جفای فلک　　گنج صفت زیر زمین شد دفین

رفت سفر بست از این خاکدان　　سید والا گهری پاک دین

نعمت مخزون پی تاریخ گفت

۱۳۳۶

باغ جنان منزل یحیی ببین

ایضاً

از این دار فنا یحیی بصد شوق　　روان اکنون سوی دار بقا گشت

رقم زد کلک نعمت بهر تاریخ [illegible]

۱۳۲۶

محفوظ فیض یحیی دولت

ایضاً

از دهر بازبونک یحیی است همی　　وز رسیدن سرشک دامن است همی

نعمت پی تاریخ وفاتش گفتا

۱۳۲۶

فردوس برین مسکن یحیی است همی

تاریخ وفات مرحوم دبیرالملک شاهزاده

برون شد از که از دنیا دبیرالملک　　که بود بحر علم و معرفت را فلک

رقم زد کلک نعمت از پی تاریخ

۱۳۲۶

خدا را کنون بدان، ره دبیرالملک

ایضاً

ایضاً

چون دبیرالملک نیکوکار رفت از این جهان　　از برای ماتم گردید پیراهن کرد چاک

بهر تاریخ وفاتش نعمت رنجیده گفت

۱۳۲۶

دید فضل و جود از این دو دبیرالملک پاک

تاریخ ولادت طاهره خانم

طاهره چون که بدنیا آمد　　قدم وش دهر ما آمد

نعمت انسان پی تاریخش گفت

۱۳۲۵

خوش قدم طاهره زیبا آمد

تاریخ ولادت صدیقه خانم

کنون صدیقه چون آمد بدین عالم　　ز فیض مقدمش شد شاد جان ما

۱۳۲۲　۲۰

نعمت

رقم زد خامه نعمت بتاریخش　　چه خوش صدیقه پاک آمد سوی دنیا

تاریخ ولادت میرزا جلال الدین

جلال الدین کنون آمد بدین دنیا — که بر سید علی باشد مددکار بیش

پی تاریخ آن نعمت چه خوش گفت

۱۳۲۶

جلال الدین خدا حالا بود یارش

تاریخ ولادت میرزا یحیی

هزاران شکر کز فضل و عطای حق — کنون یحیی بیامد سوی این دنیی

رقم زد کلک نعمت بهر تاریخش

۱۳۳۰

بسی خوش طالع آمد این زمان یحیی

تاریخ ولادت فاطمه سلطان خانم

چو آمد فاطمه سلطان بدین عالم — تو گفتی در تن عباس آمد جان

۱۳۲۴

پی تاریخ آن نعمت چنین گفتا — بدنیی خوش شد آمد فاطمه سلطان

تاریخ ولادت حسین خان

خوش قدم آمد بجهان این حسین — کز خوشش گشت دو دیده روا

نعمت اکنون بهر تاریخش سرود

۱۳۲۵

چون فرشته بین حسین نیک نهاد

تاریخ ولادت عباسعلی خان

عباسعلی چو آمد اکنون — بس نامی و قبیله شد

نعمت سروده بهر تاریخ

۱۳۲۹

عباسعلی خجسته پی بد

تاریخ ولادت حسن خان

حسن چون بدین عالم اکنون بیامد — شد از مقدمش شاد و خرم همه

۱۳۳۲

بتاریخ آن کلک نعمت رقم زد — حسن بس خوش اقبال آمد بدنیا

تاریخ ولادت محمود قاسمیان

محمود قاسم پاک گوهر زاد | بدین دنیا کنون بس دلکش آمد

پی تاریخ آن نعمت رقم زد

۱ ۳ ۲ ۶

محمود قاسم نیک و دلکش آمد

هو الحق

... هزار و سیصد و شصت و
... در خیابان انقلاب ساری خریده‌ام.

[redacted]

[redacted] ۶۷/۷/۲۵

مقتضای قدرشناسی با دو الم توجه